

علامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی  
ترجمه حاج سید علی اکبر موسوی  
(محب الاسلام)

## شیخ طوسی

در شماره سیزدهم نامه آستان قدس طلیعه‌ای از زندگانی علم‌الاعلام  
شیخ طوسی ره را بنظر خوانندگان رسانیدیم که خلاصه آن بقراردیل بود  
زندگانی شیخ طوسی، نسب شیخ الطائفه، سه نوبت انهدام طوس  
ولادت نربیت شیخ، شخصیت و مرجعیت شیخ، هجرت بنجف اشرف، کتابخانه  
شعیما بسوخت، مؤسس دانشگاه نجف، مکانت علمی شیخ، فتاوی شیخ  
آثار و آثار شیخ، و اینک تنمه آن :

«مترجم»

عظمت معنوی شیخ :

شیخ الطائفه باین مرتبه جلیل نرسید، جز بوسیله اخلاص عقیده و ایمان  
زیرا برای شهرت طلبی و حب ریاست و دلجوئی مردم دنیا، و مباحثات و  
افتخار با دانشمندان معاصر خویش، و برتری فروشی بر اقران، و اینگونه  
مقاصد پست که بسیاری از معاصران ما گرفتارند کتابها را تألیف نکرد.

حاشا و کلا ...

بلکه چنین خطوری بی‌الش نیامد، و در تألیف و تصنیف این آثار گرانها فقط منظورش  
رضای خدای متعال بود، و پاداش خود را از ثواب جزیل خداوندی میخواست و بس بر  
حمایت دین و احیاء شریعت سید المرسلین (ص) و محو آثار مفسدین بسی کوشید لهذا در  
اعمالش مؤید، و در گفتارش مسدد بود (۱)

۱ - اینجا از قول محدث نوری «ره» در مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۵۰۶ خوابی را نقل

(مترجم)

کرده اند که ما برای اختصار طوری تلخیص کردیم که مفید معنی هستند.

سه نفر از علماء بزرگ شیعه درباره کتاب «النهایة» شیخ طوسی گفتگوهای داشته‌اند و با شیخ الطائفة درباره مسائل چندی معارضه می‌کردند ، هر سه باهم قرار گذاشتند بزیارت مسرقد مقدس امیر المؤمنین (ع) مشرف شوند . باتفاق آراء هر سه پس از سه روز، روزه و غسل جمعه و نماز حاجت از امیر المؤمنین (ع) درباره این کتاب «النهایة» جواب بخواهند .

### جواب عجیب :

پس از فراغت از توجه و دعا و استمداد از مولای متقیان (ع) بخواب رفتند ، بمالم رؤیا امیر المؤمنین (ع) بهسر يك از دانشمندان جداگانه فرمود : «در فقه آل محمد (ص) تصنیفی که سزاوار اعتماد باشد ، بهتر از کتاب «النهایة» نیست همان کتابی که مورد منازعه شماست برای اینکه با خلوص نیت برای تقرب بدرگاه حضرت او نوشته است ، در صحت مضامین کتاب شك نکنید و بدان عمل کنید ، و...» چون از خواب برخاستند (۱) صلاح دیدند که قبل از کلام خواب خود را بنویسند همه نوشتند و بر یکدیگر عرضه کردند . نتیجه از لحاظ لفظ و معنی مساوی و مطابق بود ، همه باحال غبطة آمیخته با احترام بر شیخ طوسی وارد شدند ، همینکه چشم شیخ بآنان افتاد ، فرمود : تا وقتیکه از کلام مولا امیر المؤمنین (ع) جواب نشنیدید آرام نگرفتید ؟ دانشمندان با تعجب از وی پرسیدند ، فرمود همانطوریکه مولا بخواب شما آمد بخواب منم چنین فرمود : و این رؤیا بهمین وجه نوشته شد فقهاء آل محمد (ص) با چنین کتاب بشیعیان فتوی میدهند و الحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين (پایان قول شیخ ما در مستدرک)

### نتیجه :

تنها همین قضیه بر اخلاص و صدق خدمت شیخ الطائفة کافی است گرچه وی از

۱ - قرآن کریم : یوسف صدیق پیامبر (ع) را بدانستن « تعبیر رؤیا » یاد کرده است و علمناه من تأویل الاحادیث ، و خواب یوسف را در آغاز احسن القصص یا آیت انی رأیت احد عشر کوباً و الشمس والقمر رأیتهم لی ساجدین تذکر داده است ، و همچنین فرمان خداوندی را به ابراهیم (ع) « شیخ الانبیاء در خواب مسجل و محتوم گرفته که پیامبر عظیم الشانی چون خلیل الله اقدام به « ذبح » فرزندش اسماعیل فرمود : یا بنی انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ...

بمضمون حدیث مروی از امام صادق (ع) آیه کریمه : لهم البشرى فی الحیوة الدنیا منظور

از « بشری » رؤیای صادقه اهل ایمان است ( تفسیر صافی ذیل همین آیه )

ناتگفته نماند که مطابق فتاوی فقهاء عظام کثر الله امثالهم « خواب » دلیل و مدرک شرعی

اینگونه مدائح بینیااست ، این اندازه ذخیره و شرف و آبرو برای شیخ در روز رستاخیز پس است که امیر المؤمنین (ع) گواهی داد : «شیخ بجز رضای خداوند متعال در تالیف این کتاب قصدی نداشته است». **ولمثل هذا فليعمل العاملون، ان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون** (۱) لازم است گفته شود که از این واقعه دو مطلب دیگر نیز استفاده میکنیم که شیخ ما «نوری» عطرالله مثواه بدان تصریح نکرده است .

### نکته اول :

آنستکه اعتراض کنندگان بشیخ ، باوی غرض شخصی نداشتند که از اونقدی بعمل آورند و تخطئه کنند اختلاف فقط در برخی آراء فقهی بوده است که آنان گمان داشتند شیخ خطا کرده است ، و فتاوی شیخ مرضی رسول و آل (ع) نیست . **و فقط غیرت بر حفظ دین و حمیت عقیده و ایمان که مبدا در دین خطائی واقع شود** ایشانرا وادار کرد که بشیخ اعتراض کنند ، وهمه برای فهم حق بامام (ع) پناه بردند ، امام علیه السلام با خوشنودی و قبول جواب عنایت فرمود همه خوشحال شدند و اطمینان یافتند و بر شیخ غبطه بردند ... الخ

### دوم :

که بسی مهم است این نکته است که دانشمندان معترض بشیخ، بحدی خود را میشناختند و بخوبی اطمینان داشتند که **مورد رضای ائمه (ع) هستند** بدان حد که برای سؤال حضور امام (ع) مشرف میشوند، چرا که خود را چون بندگان و خدمتگذاران موالی میدانستند فرمانبری را طوری میخواستند که مولا بخواهد، و بطریقی میخواستند که امام (ع) بیسندد ، کوشش داشتند او امر مولارا امثال کنند و از نواهی وی احتراز، در این صورت هیچ مانعی در راه تشریف خدمت مولا و وصول بشرف حضور حضرت امام (ع) نیست .

### پاکان و پاکیزگان :

تو ای خواننده ! میبینی که این بزرگان (رضوان الله علیهم) چون فهم مطلبی بر ایشان مشکل شد ، و درهای امید برویشان بسته بخود امام (ع) پناه بردند که حضوراً جواب بشنوند ، و بجز همان آداب شرعی از روزه و وضوء و دعاء و امید بخداوند مقدمه و وسیله دیگری آماده نساختند ...

اگر اینان تقصیری از خود میدیدند و گمان تخلف برخی از اوامر مولارا بخود میداشتند ، چنین جسارتی بخود روا نمیداشتند که با امام مسواچه شوند ، باین دلائل

میدانیم که علماء قدیم ما **رضوان الله علیهم** بانجام تکالیف شرعی از صغیر و کبیر ملتزم بودند ، و از هر پلیمیدی و پستی حتی **از مکروه و مباح نیز دوری میکردند** .

آنان با اعمال خود بیشتر و بیشتر از گفتار ، ما را موعظه کردند بر ما واجب است که پیروی ایشان کنیم ، و گام بنشان گامشان بنهیم و از روش قویم و صراط مستقیم منحرف نگردیم تا لطف ائمه هدی (ع) شامل حال ما نیز شود و شفیعان ما باشند : **یوم لا یغنی نفس عن نفس شیئا ولا تنفعها شفاعة** .

### مؤلفات شیخ :

در تالیفات شیخ يك امتیاز خاصی دیده میشود که مؤلفات دیگران حتی در آثار علمای سلف شیخ هم دیده نمیشود ، زیرا منبع اول ، و تنها مأخذ بزرگ مؤلفین قرون وسطی تالیفات شیخ بود ، زیرا علماء استخوان بندی کتب خود را از آثار شیخ برداشتند و کتابها پیرداختند برای آنکه مؤلفات شیخ خلاصه کتب مذهبی قدیم و اصول (۱) اصحاب را در برداشت .

### سرمایه علمی تشیع:

در گذشته گفتیم شیخ از بغداد پنجم اشرف هجرت کرد ، و کتابخانه «شاپور» در کرخ بغداد که دارای کتب قدیمه مصحح بخط مؤلفین و کسان مورد اعتماد داشت همه طعمه حریق گردید .

کتابخانه سوخت ، کتابها را از دست دادیم ، ولی محتویات و مواد اصلی کتب بحال خود بدون حرفی کم و زیاد تا بحال باقیست چرا که از همان کتب در مجامع علمی و کتابخانه های شخصی و عمومی دیگر خیلی قبل از آتش سوزی موجود بود ، زیرا بسیاری از بزرگان علما کتب متنوع بسیاری تالیف کرده بودند ، و آنچه در کتابخانه های مهم بود از اصول و غیره همه استخراج و نسخه برداری شده بود و کتب شیخ از آن اصول تالیف یافته است و همان کتب تا با ما روزموجود است و **شیخ طوسی** از آن اصول استفاده کرده بود که در اختیار و تصرف بود زیرا که آنروز زعم شیعیه و پیشوای امامیه بود وی کتابی را ندیده باقی نگذاشت ، از همه استنساخ کرد .

۱ - اصول اربعه ائمه : چهارصد جلد کتا بیست که فقط از جوابهای امام جعفر صادق (ع)

تالیف یافته است .

اصل : عنوان بعضی از کتب حدیث مخصوص است . رجوع کنید به « الذریعه ج ۱

ص ۱۲۵-۱۳۵ » که بتفصیل و وضوح تمام آورده ایم .

## کتابخانه سید مرتضی :

کتابخانه دیگری بدسترس شیخ بود که از آن استاد بزرگوارش سید مرتضی علم الهدی رضوان الله علیه بوده است .

وی بیست و هشت سال تمام در این کتابخانه بسربرد ، و کتابخانه سید ، «سوی کتب اهدائی رؤساء» هشتاد هزار کتاب داشت (۱) و هر کسبکه ترجمه سید را نوشته بدین کتابخانه «هشتاد هزاری» تصریح کرده است ، و یکی از جهات اینکه سید مرتضی لقب «ثمانینی» داشت وجود همین کتابخانه معظم بود .

آری شیخ الطائفه از این دو خزانه بزرگ برخوردار شد ، و قبل از فوت فرصت ، خدای متعال راه استفاده از این نعمت بزرگ را بوی الهام فرموده بود . شیخ کتابها را زیور و کرد ، و آنچه نیاز داشت فراگرفت ، و به رشتهها و گوهرهای از دست رفته دست یافت و دو کتاب جلیل : «التمهذیب - الاستبصار» را تألیف کرد (۲) ، اجزل الله اجره پیش از حادئه آتشسوزی کتابخانه کرخ بغداد شیخ الطائفه اسفارههم دیگری نیز تألیف نمود ، و همچنین آیات و حجج دیگر شیعیه غیر از شیخ جهاد علمی کردند ، و در حفظ آثار آل محمد (ع) کوشیدند (۳) .

۱ - باید دانست که وضع کتاب و کتابخانه قبل از اختراع چاپ بصورت امروز نبوده است یعنی برای نسخه برداری از یک کتاب یک نفر کاتب باصطلاح قدیم « راق » مدتها وقت صرف میکرده است ، از اینجا میتوان حدس زد که چگونه دانشمندان و نویسندگان و مؤلفین و مصنفین تشویق میشدند ، و تعداد « خوشنویسان » چه زیاد بوده است ، و شیعیه در راه بسط علم و تقویت ایمان چه رنجها برده است که کتابخانه هشتاد هزاری شخصی داشته اند . ( مترجم )

۲ - این دو کتاب از زمان شیخ الطائفه تا با امروز بنزد فقهاء اثنی عشری مدار استنباط احکام شرعیه است .

۳ - جرجی زیدان در تاریخ تمدن اسلام ج ۳ نام کتابخانههای دوره تمدن اسلام را باقیده شماره کتابها یادداشت نموده است ، بدینقرار :

۴۰۰۰۰۰	کتابخانه بیت الحکمة بغداد
۱۰۰۰۰	« شاپورد بغداد ( کتابخانه شیخ طوسی )
۴۰۰۰۰	« الحکمة در قرطبه
۱۰۰۰۰۰	« سلطنتی و خاندان سلطنتی قاهره
۱۰۰۰۰۰	« دار الحکمة در قاهره
۳۰۰۰۰۰	« طرابلس شام
۴۰۰۰۰۰	« مراغه (خواجه نصیر الدین طوسی)

مواد تالیفات و مآخذ آثار علمی شیخ از تصانیف قدما چنان بود که گفته شد ، لذا

«صاحب بن عباد» را وقتی که «نوح بن منصور» برای وزارت به بخارا دعوت کرد او عذر آورد و نوشت که برای من حمل ائانه و لوازم ضروری بسیار مشکل و موجب زحمت است ، چه برای حمل يك كتابخانه تنها چهارصد شتر لازم خواهد بود در همان زمان «محمد بن حسین بغدادی» کتابخانه‌ای تأسیس کرده بود که از جهت کتابهای نفیس و نایاب عموماً بی نظیر دانسته میشد علامه «ابن الندیم» با وجود وسعت نظر اعتراف میکند که چنین کتابخانه‌ای در هیچ کجا ندیده است . وضع این خزانه علمی خیلی کم معلوم میباشد و علتش گذشته از بی پروائی مورخان و تذکره نویسان بانی کتابخانه هم احتیاط میکرده است و بیجا هم نبوده است .

«ابن الندیم» نوشته‌است من با «محمد بن حسین» در این باره با اشکال زیاد تماس گرفته و موضوع را بمیان آوردم ، و او وقتی که از من اطمینان حاصل کرد یکروز گونی بزرگی آورد که در آن قصائد و اشعار قدیم عرب و نیز خطوط و تحریرات و دستاویزهای زیاد انباشته بوده . تحریرات و نوشته‌های مزبور روی پوست و کاغذهای چینی ، تهامی ، مصری و خراسانی بوده و من که آنها را قدری بهم زدم دیدم بر اثر قدمت و کهنگی زیاد هیئت و شکل آنها تبدیل یافته و جاهائی هم رنگ کلمات و حروف بکلی پریده و از میان رفته‌اند ، به امضای عالمان و دانشمندان مجموعه هائی بود از جمله قرآنی بوده است بخط «خالد بن ابی الیهیاج» که در صحبت حضرت «علی بن ابیطالب» بسر میکرد ، تحریرات و نوشته‌جات عیدیه‌ای بخط امام «علی بن ابیطالب» و امام «حسن» و امام «حسین» بوده و نیز خطوط و نامه‌هایی که حضرت رسول (ص) بنام سلاطین و رؤسای قبائل نوشته بودند عیناً موجود بود ، کتابهائی در نحو و لغت بخط «اصمعی» «ابن الاعرابی» «سیبویه» «قراء» «کسایی» و غیر اینان ، و همچنین رساله‌هایی بودند در حدیث که «سفیان بن عیینه» «ثوری» «اوزاعی» و همانندشان بدست خود نوشته بودند .

(ترجمه مقالات شبلی نعمانی ص ۱۴۲ بیعد - مترجم)

ابن الندیم گوید : «از برکت این کتابخانه بر من معلوم شد که فن نحو از ایجادات «ابوالاسود دؤلی است»

مترجم - (ترجمه مقالات ص ۱۴۳)

«ابوجعفر احمد بن عباس» کتابخانه‌ای تأسیس نمود که دارای چهارصد هزار کتاب بوده است . مترجم - (بنقل شبلی ص ۱۴۳ از فطح الطیب ط مصر ج ۲ ص ۴۰۸)

بقیه پاورقی در صفحه ۲۲

کتاب بسیاری در همه علوم اسلامی از فقه ، کلام ، اصول فقه ، تفسیر ، حدیث ، رجال ، ادعیه و عبادات و غیره تألیف نمود ، مؤلفات شیخ در هر یک از علوم ماخذ علما و علوم دین در فارس ، عراق و شام با اشتهای تمام که هزاران کتابخانه تأسیس یافته بود ، اسپانیا از آنها هم بیشتر سعه صدور دست بازنشان داد چه این در قرطبه يك دستور عمومی شده بود که هر امیری کتابخانه مستقلی از خود داشته باشد .

نوبت قدردانی از کتاب در آن زمان با اینجا رسیده بود که در نزد «**ابوعلی قالی**» متوفی سنه ۳۷۹ هـ - نسخه «**جمهره العرب**» بخط خود مصنف موجود بوده است که در سیصد مقال طلا میخریدند ولی اوراضی نشد کتاب را از خود جدا کند . ص ۱۴۴ مترجم اگرچه در تمام ممالک اسلامی هر جا بکثرت کتابخانه‌ای موجود بود لیکن تاسده سوم بلکه تا آغاز سده چهارم از کتابخانه عمومی خبری نبود و کتابخانه هائیکه در فوق ذکر شدند تمام کتابخانه های خصوصی و شخصی بوده و غالباً آنکس که اول از همه روی قاعده و طریقه صحیح بنیاد کتابخانه عمومی نهاده است «**سابورین اردشیر**» یکی از امیران بوده است که در سال ۳۸۲ هـ «**الحاکم بامر الله**» از خاندان فاطمی که فرمانروای مصر بود کتابخانه عمومی معظمی تأسیس کرد . ص ۱۴۴ مترجم

«**نظام الملک**» که نظامیه بغداد را تأسیس کرد حکم عام داده بود که در تمام ممالک اسلامی هر کجا عالم معتبر و ممتازی است برای او یک مدرسه و یک کتابخانه تعمیر و دائر کنند و بتقل ترجمه مقالات ص ۱۴۵ از زبدة النصر تاریخ آل سلجوق چاپ اروپا ص ۵۷ .

از بقیه همین آثار است که امروز در قسطنطنیه و دیگر بلاد مساجد معتبر و مشهوری که هستند با هر یک کتابخانه‌ای هم ضرور موجود است . ص ۱۴۵ - مترجم  
جمع کثیری در میان مسلمین گذشته اند که شغلشان منحصر بت ترجمه کتب فارسی بوده است که از میان آنها چند رجل نامی را که علامه «ابن الندیم» در کتاب «الفهرست» ذکر کرده بدین قرار است : «**فضل بن نوبخت**» «**عبدالله بن مقفع**» «**موسی بن خالد**» ، «**یوسف بن خالد**» ، «**علی بن زیاد**» ، «**حسن بن سهل**» ، «**احمد بن یحیی البلاذری**» ، «**جبله بن سالم**» ، «**اسحق بن یزید**» ، «**محمد بن جرهم البرمکی**» ، «**هشام بن القاسم**» ، «**موسی بن عیسی الکسروی**» ، زادویه اصفهانی» ، «**محمد بن بهرام**» ، «**بهرام بن مردان شاه**» و «**عمر بن الفرخان**»  
از میان علوم و فنون فارسی شاید کتابی نمانده باشد که آنرا مهیا نکرده باشند و باین اکتفا نکرده بلکه تراجم آنها هم اشاعت و انتشار داده شدند در فن تاریخ : «**درستم نامه**»

بوده است از انوار آثار شیخ کسب نور می کردند و بدانها اعتماد داشتند.

برای این جهادهای علمی است که شیخ الطائفه بر شیعیان حقی دارد که احدی منکر فضیلت وی نیست و بر کسی هم پوشیده نیست. با اینکه جمعی از علمای پیشین همین عمل شیخ را انجام دادند.

شیخ کلینی (۱) کتاب کافی، و شیخ صدوق (۲) من لایحضره الفقیه را تالیف نمود، این دو کتاب نیز از کتب اربعه است.

و همچنین سواى صدوق و کلینی از اقطاب علم و اعلام شیعه کتابها تالیف کرده اند که

«اسفندیار نامه»، «بهرام نامه»، «شهرزاد با پرویز»، «کارنامه نوشیروان»، «تاج نامه»، «دارا و بت زرین»، «خدایی نامه»، «بهرام و نرسی»، «نامه نوشیروان» و غیرهم

### فن اخلاق:

«فرخ زاد»، «کتاب مؤبد مؤبدان»، «الحکم و الآداب»، «مجموعه اردشیر»، «نامه بداهودبن فرخ زاد».

### فن نظام و سپهگری:

«چوگان و گوی»، «کتاب بهرام گور»

### فن تیراندازی:

مفصل ترازمه کتابی است که در آن تدابیر فتح و گشودن قلاع است «قواعد جنگ»، اصول و آئین جاسوسی و دیده بانى و حمله یورش که تحت انضباط آمده و در عهد «اردشیر» برای استفاده او تصنیف شده بوده است همچنین در فن طب، بیطاری، منطق، فلسفه و غیر اینها کتب زیادی ترجمه شدند، علاوه خطوط و فرامین و توقیعات پادشاهان ایران را بدست آورده ترجمه کردند چنانکه فرامین و نامه های «اردشیر»، «مؤبد مؤبدان» و «نوشیروان» ذکرشان بتفصیل در «الفهرست» آمده است.

(مترجم) (ص ۱۴۸ - ترجمه مقالات شبلی)

### افسانه و قصه:

«هزارستان»، «یوسفاس»، «افسانه روزبه»، «شغال و خرس»، «سک و زمانه»، «شاه زنان»، «نمرود نامه»، «الف لیله»، «هزار افسانه» که برای دختر بهمن تصنیف شده بود.

«الفهرست ص ۳۰۴ و مروج الذهب ذکرها کل قدیمه»

کتبیکه از هند عبری ترجمه شد:

«پاکهر»، «رابر»، «اسکه»، «واغر»، «امکر»، «رنگل»، «جهر»، «امدی»، «کپل»

۱ - محمد بن یعقوب کلینی متوفی ۳۲۹

۲ - ابو جعفر محمد بن علی بن موسی بن بابویه القمی المتوفی ۳۸۱



ما منکر فضل ایشان نیستیم بلکه حسن عمل و گوش فراوانشان را تقدیر میکنیم ، و از خدای متعال برای آنان اجر و ثواب جزیل میخواهیم .

### نبوغ و امتیاز شیخ

اما ناگزیریم اعتراف کنیم که **شیخ الطائفه** تنها به عملی قیام کرده است که دیگران بجمع نکرده اند ، و بارهای سنگین برداشته که اگر عنایت ربانی نبود حمل آن بسی سخت و سنگین و دشوار بود .

دیگران با جد و جهد و جهاد با نفوس کریمه‌ی خود کتابی در یک موضوع نوشته و تالیف کرده‌اند مانند ، فقه ، حدیث . دعا و غیر ذلك ... ولی **شیخ طوسی** همه درها را کوبیده ، و هیچ راهی باقی نمانده است جز اینکه شیخ بدان راه رفته و حاصل و نتایج پاک و متنوع مغذی عقول خردمندان و اولولباب را در طول قرون آماده ساخته است .

### گنجینه‌های دینی شیعه :

گفتیم کتب شیعه سوخت و تلف گشت ، مجموعه‌ها گم شده و نسخه‌ها کم شد اما یک‌ده کتابها بوضع خود در سایر مجامع علمی شیعه ، تا اوائل قرن هشتم باقی بماند ، که بسیاری از کتب «ادعیه» از همین کتب است ، تعداد وافى از این کتب بدست **سید جمال الدین سالکین** (۱) رسید بطوریکه وی در کتاب «کشف المحجّه» که بسال ۶۴۹ تالیف کرده خطاب بفرزندش میگوید : «خداوند جل جلاله بدست من کتب بسیاری برای تو مهیا فرموده است پس از شمارش کتب تفسیر و خداوند جل جلاله تعدادی کتب «ادعیه» که بیشتر از شصت مجلد است برای تو مهیا کرده و بنزد من است»

پس از این سال کتابهای دیگری بدستش آمد ، وی در آخر کتاب «مهج الدعوات» که روز جمعه ۷ جمادى الاولى بسال ۶۶۲ تقریباً دو سال قبل از وفاتش تالیف کرده نوشته است : «کتابخانه ما در این اوقات بیشتر از هفتاد جلد کتب «ادعیه» دارد»

و اما سایر کتابهای وی در «مجموعه الشهید» آمده که در سال تالیف کتاب «الاقبال» ۶۵۰ هـ یک‌هزار و پانصد جلد در ملک **سید بن طاووس** فقط بوده است و خداوند میدانند که تا سال وفات سید بمدت ۱۴ سال از سال ۶۵۰ تا سال ۶۶۴ چه تعداد اضافه شده است ، و این هفتاد جلد کتاب دعا که در کتابخانه شخصی سید بوده است ، همه از کتب ادعیه ایست که متقدمین بر شیخ نوشته بودند ، و **شیخ الطائفه** بسال ۴۶۰ وفات یافته است زیرا **شیخ منتجب الدین** (۲) ترجمه علما و متأخر از شیخ طوسی را جمع کرده است بمدت

۱ - رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن محمد الطاووسی حسینی حلی متوفی ۶۶۴ هـ

۲ - ابن بابویه قمی متوفی ۳۲۹

۱۵۰ سال و تصانیف آنانرا یاد آور شده بجز تعداد کمی در تألیفاتشان کتاب دعا نیافته ایم . علت آن بود که گفتیم : زیرا دانشمندان پس از شیخ طوسی تا صد سال یا بیشتر فقط به مؤلفات شیخ اکتفا میکردند و از تألیف در قبال آثار شیخ تجاشی داشتند برای جلوگیری از اطاله عنان قلم را گرفتیم هر که طالب تفصیل بیشتری است ، بدو مقال مبسوطیکه در الذریعه است رجوع کنند (۱) .

### فهرست کتب شیخ طوسی :

۱- الابواب : این کتاب «ابواب» نامیده شده ، زیرا بعدد رجال اصحاب پیامبر و اصحاب هر یک از ائمه هدی (ع) دارای (باب) است که به «رجال شیخ الطائفة» معروف است ، و ما بدو عنوان در الذریعه از این کتاب نام بردیم ج ۱ ص ۷۳ و ج ۱۰ ص ۱۲۰ .  
ابواب یکی از اصول «رجال» است که بنزد علمای ما مورد اعتماد است شیخ وجبت ما ، سید محمد شاه عبدالعظیمی نجفی متوفی بسال ۱۳۳۴ هـ این کتابرا گلچین نموده و رجال کشی و نجاشی و خلاصه علامه حلی را نیز تلخیص و انتخاب کرده و همه را «منتخب الرجال» نامیده است این کتاب چاپ شده است .

### ۲- اختیار الرجال

همان کتاب رجال کشی است (۲) که به «معرفة الناقلين» موسوم است رجال کشی دارای اغلاط فراوان بود ، و نجاشی بدین تصریح کرده است لذا شیخ الطائفة این کتابرا از اغلاط پاک نمود و «اختیار الرجال» نامید و در مشهد غروی «نجف» بر شاگردان خود املا فرمود و آغاز خواندن بر شاگردان سه شنبه ۲۶ صفر ۴۵۶ بود سید رضی الدین بن طاووس در فرج المهموم چنین نوشته است .

تفصیل این مطلب را در الذریعه ج ۱ ص ۲۶۵-۳۶۶ ببینید ، نسخه معروف به «رجال کشی» همین منتخب و تلخیص و اختیار شیخ الطائفة است .  
و اما از نسخه اصل رجال کشی اثری نیافته ایم .

### ۳- الاستبصار : ( فیما اختلف من الاخبار )

این کتاب یکی از چهار کتابیست که «مجامیع حدیثیه» گویند و بنزد فقهاء اثنی عشری از زمان مؤلف تا با مر و زمدار استنباط احکام شرعیه است .

۱ - مقال نخستین الذریعه ج ۱ ص ۱۲۵-۱۳۵ و مقال دوم الذریعه ج ۸ ص ۱۷۲-۱۸۱

۲ - ابی عمر و محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی معاصر ( بن قولویه ) متوفی سال ۳۴۹ هـ

که هر یک از دیگری روایت میکنند .

دو جزء از این کتاب در عبادات ، و بخش سوم در بقیه ابواب فقه از عقود ، ایقاعات و احکام تا حدود و دیات است .

**استبصار** : حاوی عمده‌ای از کتب «تهذیب» است، جز اینکه «استبصار» فقط اخبار اختلافی را دارد ، و این دو کتاب به هم اخبار موافق و مخالف را حائزند **شیخ الطائفة** احادیث «استبصار» را در آخر کتاب به شماره (۵۵۱۱) منحصس کرده است و فرموده : «احادیث این کتاب را شمردم تا زیادت و نقصانی بر این کتاب رخ ندهد الخ»

گرچه این نسخه را در چاپ (۱) با سه نسخه خطی مقابله کرده اند ، ولی مقابله با نسخه‌ایکه بخط «شیخ الطائفة» است و در کتابخانه علامه شیخ هادی آل کاشف الغطاء در نجف اشرف موجود است از ایشان فوت شده و ما مفصلاً نقل کرده‌ایم (۲) **استبصار شروح** و تعلیقات فراوان دارد که هیجده جلد از آنرا ما بر شمرده‌ایم (۳) **سید شهاب‌الدین تبریزی** بما نوشته‌اند که نسخه‌ای از حواشی «استبصار» را بدست آورده از آن علامه محقق ملقب به «مجدوب» بخط سید محمد هاشم حسینی فرزند **میر خواجه بیک کججی** کاتب نوشته است که «محشی» استاد وی بوده است و در سال ۱۰۳۸ هـ ق میزیسته است (۴) کاتب محشی را به «**شیخنا مولانا الاستاذ**» مینویسد **فرغ الکاتب من النسخة فی سنة ۱۰۸۳ هـ**

(ناتمام)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 
- ۱ - این کتاب سه نوبت بطبع رسیده - ۱ - مطبعة جعفریه لکهنو ( هند ) طبع دوم در طهران بسال ۱۳۱۷ و طبع سوم در نجف اشرف ۱۳۷۵ وسیله آخوندی
  - ۲ - الذریعه ج ۲ ص ۱۴-۱۶
  - ۳ - علامه سید محمد صادق آل بحر العلوم در مقدمه فهرست باین شرح اشاره کرده و علامه شیخ محمد علی اردوبادی در مقدمه استبصار طبع نجف شرح استبصار را از ما نقل کرده است .
  - ۴ - محشی مولا عبدالله شوشتری متوفی سنه ۱۰۲۱ هـ ق است